

## بررسی مهم‌ترین موانع اقتصادی خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال ایران

\* حسن قره خانی<sup>۱</sup>، دکتر محمد احسانی<sup>۲</sup>، دکتر هاشم کوزه‌چیان<sup>۳</sup>، دکتر محمد خیبری<sup>۴</sup>،

سودابه فولادی حیدرلو<sup>۵</sup>، فرزاد نوبخت<sup>۶</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱/۳۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۸/۳

### چکیده

با وجود گذشت یک دهه از خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال در کشورهای پیشرفته، اغلب باشگاه‌های فوتبال حرفه‌ای کشورهای دولتی هستند؛ از این رو تحقیق حاضر به شناسایی و رتبه‌بندی مهم‌ترین موانع اقتصادی خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال حرفه‌ای کشور در سال ۱۳۸۸-۸۹ می‌پردازد. این تحقیق برای اولین بار در کشور انجام شده؛ بنابراین از نوع اکتشافی است و به روش توصیفی-پیمایشی (توصیفی-تحلیلی) انجام شده است. مدیران باشگاه‌های فوتبال لیگ برتر و دسته یک، مدیران ارشد فدراسیون فوتبال (اعضای هیئت رئیسه و مسئولان کمیته‌های مختلف)، متخصصان مدیریت ورزشی آشنا به مسائل باشگاه‌های فوتبال (N= 150) به عنوان نمونه انتخاب شدند (روش سرشماری). گردآوری اطلاعات به شیوه میدانی، با استفاده از پرسشنامه انجام شد که استادان متخصص روایی آن را تأیید کردند و پایایی آن، به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمد. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های فریدمن و دوجمله‌ای استفاده شد. نتایج نشان داد به جز دو مورد (نبود نظام پیش‌بینی نتایج مسابقات و درآمد کم از نقل و انتقال بازیکن)، عوامل بررسی شده از موانع مهم خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال می‌باشند. همچنین، رتبه‌بندی موانع اقتصادی نشان داد که اهمیت موانع بررسی شده، یکسان نیست، به طوری که کم بودن درآمد بلیت فروشی، مهم‌ترین و نبود نظام پیش‌بینی نتایج مسابقات باشگاهی، کم‌اهمیت‌ترین موانع معرفی شدند. افزایش کارایی و اثربخشی، بهبود مدیریت، به دست آوردن نتایج مطلوب و افزایش اعتبار باشگاه از موارد مهمی است که همواره مورد توجه علاقه‌مندان فوتبال بوده و مشکلات اقتصادی در راه خصوصی سازی باشگاه‌ها، مانع دستیابی به اهداف مذکور شده است؛ بنابراین رفع موانع اقتصادی موجود نخستین گام ضروری در این زمینه است.

**کلیدواژه‌های فارسی:** موانع اقتصادی، خصوصی سازی، باشگاه‌های فوتبال، رتبه‌بندی.

۱ و ۶. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه تربیت مدرس

۲ و ۳. دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

۴. دانشیار دانشگاه تهران

۵. دانشجوی دانشگاه پیام نور تهران

۶. دانشجوی دانشگاه پیام نور تهران

Email: gharekhani2006@yahoo.com

### مقدمه

بدون شک، فوتبال پرطرفدارترین و محبوب‌ترین ورزش در پهنه بین‌المللی است (۱). امروزه، فوتبال در بسیاری از کشورها ورزش ملی محسوب می‌شود (۲). در میان ارکان صنعت فوتبال، نقش باشگاه‌ها از بقیه مهم‌تر است؛ زیرا به مثابه کارخانه‌های تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی آن عمل می‌کنند (۳).

در گذشته، بسیاری از باشگاه‌های فوتبال را مالکان ثروتمند یا سیاستمداران اداره می‌کردند، اما از اوایل دهه ۹۰ میلادی، به دلیل افزایش هزینه، به‌ویژه دستمزد بازیکنان و نیاز شدید به منابع مالی جدید، کارشناسان خبره اقتصادی بهترین راه حل را پیوستن باشگاه‌ها به بازار بورس معرفی کردند. در انگلستان، باشگاه تاتنهام اولین باشگاهی بود که با عرضه سهام خود در سال ۱۹۸۳ بیش از ۳/۳ میلیون پوند درآمد به دست آورد. منچستر یونایتد نیز در سال ۱۹۹۱ وارد بورس لندن شد و در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۷ شانزده باشگاه دیگر نیز به بورس راه یافتند (۴).

امروزه، اغلب باشگاه‌های فوتبال مطرح جهان به شرکت‌های تجاری حرفه‌ای و معتبر تبدیل شده‌اند؛ به عنوان نمونه ۲۰ باشگاه مطرح انگلستان در بورس لندن فعالیت دارند و هزاران نفر طرفدار فوتبال، سهام‌دار این باشگاه‌ها بوده، از طریق داد و ستد سهام، علاوه بر کسب سود کمک مالی فراوانی به باشگاه‌های خود می‌کنند. این شکل اداره باعث شده تا باشگاه‌ها به دو هدف اصلی خود؛ یعنی موفقیت تجاری و موفقیت ورزشی دست یابند (۵).

در حال حاضر، تأثیر اقتصادی فوتبال به برگزاری رویدادهای بزرگ بین‌المللی مانند جام جهانی محدود نمی‌شود، بلکه در بسیاری از کشورها، برگزاری لیگ‌های حرفه‌ای و صنعت باشگاه‌داری باعث رشد و توسعه اقتصادی در سطح کلان شده است؛ به عنوان نمونه در کشورهایی مانند انگلستان و اسپانیا، فوتبال به منزله ماشین اقتصادی عمل می‌کند و سالانه میلیون‌ها دلار درآمد دارد و از این طریق، در رشد و توسعه اقتصادی کل کشور نیز نقش مهم ایفا می‌کند (۶).

با این حال، اکثریت قریب به اتفاق باشگاه‌های فوتبال ایران در اختیار بخش‌های دولتی بوده، با مشکلات مالی متعددی مواجه‌اند که همین امر، مانعی در مسیر خصوصی‌سازی آنها است.

کارشناسان اقتصادی معتقدند مهم‌ترین مشکلات اقتصاد ایران شامل: مالکیت گسترده دولتی، ساختار انحصاری بازار، درون‌گرایی و عدم تعامل با بازارهای خارجی است. بدیهی است که وجود این ایرادهای ساختاری در اقتصاد بر بسیاری از صنایع از جمله صنعت فوتبال نیز تأثیر داشته است، به عنوان نمونه نتایج تحقیق مرادی (۱۳۸۸) درباره نقش عوامل اقتصادی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در فوتبال کشور نشان داد بین عوامل اقتصادی (خطر سرمایه‌گذاری،

اندازه بازار و ساختار رقابتی) و میزان سرمایه‌گذاری خارجی در فوتبال کشور ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۷)؛ بنابراین استقرار ساختار رقابتی در اقتصاد کشور بر صنعت فوتبال نیز تأثیر مثبت خواهد داشت به نحوی که شرکت‌های تجاری برای استفاده تبلیغاتی از فوتبال کشور (به علت عمومیت آن) با یکدیگر رقابت خواهند کرد (۸).

مرادی (۱۳۸۸) در تحقیق خود عوامل بازدارنده سرمایه‌گذاری خارجی در فوتبال کشور را به سه دسته تقسیم کرد: ساختار اقتصادی و مشکلات مربوط با آن، مهم‌ترین موانع معرفی شدند -البته او بیان کرد که این عامل خارج از ساختار فوتبال کشور و فراتر از آن است- دومین عامل بازدارنده، ساختار صنعت ورزش کشور و سومین گروه، موانع مرتبط با صنعت فوتبال و باشگاه‌های آن است (۷).

با مروری بر نتایج تحقیقات انجام شده مشخص می‌شود که علاوه بر مشکلات ساختاری اقتصاد کشور، موانع بسیاری نیز وجود دارند که به بحث اقتصاد و منابع مالی فوتبال و باشگاه‌های فوتبال مرتبط می‌باشند و به عنوان عوامل بازدارنده خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال کشور مطرح‌اند.

تحقیقات انجام شده در زمینه خصوصی سازی ورزش، نشان می‌دهد که عوامل مختلفی بر خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال تأثیرگذارند. دنیا پاداش (۱۳۸۸) در تحقیق خود درباره خصوصی سازی باشگاه‌های ورزشی با تأکید بر ورزش فوتبال بیان کرد که نقش عوامل اقتصادی از بقیه موارد مهم‌تر است؛ زیرا آنها مهم‌ترین موانع خصوصی سازی می‌باشند (۹). خبیری (۱۳۸۴) نیز نشان داد باشگاه‌های فوتبال ایران با حداقل معیارهای یوفا در حیطه مالی فاصله زیادی دارند (حدود ۶۰ درصد) و باید در جهت شفافیت اطلاعات مالی، پیروی از قوانین و مقررات مالی و دستیابی به تراز مالی مثبت گام بردارند (۱۰).

بررسی نتایج تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد که مهم‌ترین موانع اقتصادی شامل: تحقق نیافتن حق پخش تلویزیونی، پرداخت نکردن حق تبلیغات دور زمین مسابقه، رعایت نکردن حق مؤلف، درآمد کم بلیت فروشی، درآمد کم از محل حامیان مالی، دریافت نکردن حق عضویت، درآمد ناچیز از محل نقل و انتقال بازیکن، شفاف نبودن وضعیت مالی، هزینه نامتناسب با درآمد در زمینه حقوق و مزایای بازیکنان و مربیان (عدم حاکمیت منطق هزینه-فایده)، درآمد کم باشگاه‌ها از محل تبلیغات و بازرگانی و تراز مالی منفی باشگاه‌های فوتبال می‌باشد (۸-۱۲).

از آنجا که در حال حاضر، فوتبال کشور دچار زیان مالی است و ریسک بالایی دارد، جذابیت چندانی برای بخش خصوصی ندارد؛ بنابراین رفع مشکلات اقتصادی باشگاه‌ها ضرورتی انکارناپذیر برای موفقیت خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال است. از طرف دیگر، تا کنون

تحقیقی جامع درباره خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال کشور، به‌ویژه در مورد موانع موجود انجام نشده است؛ تحقیق حاضر با هدف شناسایی و رتبه‌بندی مهم‌ترین موانع اقتصادی خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال کشور انجام شد تا رهنمودهایی عملیاتی برای رفع این مشکل ارائه نماید.

منظور از مانع در تحقیق حاضر به این شرح می‌باشد: مشکلی که پیش روی ما قرار گرفته و برای رسیدن به هدف، باید از میان برداشته شود؛ به بیان دیگر سدی که بین وضعیت موجود و مطلوب قرار گرفته است و برای دستیابی به وضعیت مطلوب، چاره‌ای جز از میان برداشتن آن نیست؛ بنابراین موانع، عواملی هستند که ما را از رسیدن به اهداف باز می‌دارند یا از آنها دور می‌سازند.

### روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش اجرا - چون برای اولین بار در کشور صورت می‌گیرد- اکتشافی است. گردآوری اطلاعات به شیوه میدانی، با استفاده از پرسشنامه انجام شد. استادان مدیریت ورزشی، اقتصاد، مدیریت و برخی صاحب‌نظران آشنا به مسائل باشگاه‌های فوتبال، روایی پرسشنامه را تأیید کردند و پایایی آن نیز از طریق مطالعه مقدماتی، با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمد.

جامعه آماری این تحقیق شامل سه گروه بود: الف) مدیران باشگاه‌های لیگ حرفه‌ای فوتبال و دسته اول؛ ب) مدیران ارشد فدراسیون فوتبال (اعضای هیئت رئیسه و مسئولان برخی کمیته‌ها؛ ج) برخی استادان مدیریت ورزشی و صاحب‌نظران آشنا با مسائل باشگاه‌های فوتبال (۱۵۰ نفر).

به علت کم بودن تعداد جامعه آماری همه گروه‌های یاد شده به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق از آمار توصیفی (تعیین میانگین و رسم نمودارها و جداول و ...) و آمار استنباطی (آزمون دوجمله‌ای، فریدمن و آنوا)، با استفاده از نرم‌افزار SPSS بهره‌گیری شد.

به‌منظور شناسایی موانع اقتصادی موجود در مسیر خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال سؤالات پرسشنامه، با استفاده از روش آزمون دوجمله‌ای ارزیابی شد. از آنجا که سؤالات پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت از ۱ تا ۵ درجه‌بندی شده بود، عدد ۳ به عنوان نقطه مرزی انتخاب شد؛ بدین معنی که فرض شد اگر امتیاز هر سؤال (عامل) مساوی یا بزرگ‌تر از ۳ باشد (احتمال مشاهده شده بیشتر از احتمال آزمون)، آن عامل از موانع مهم خصوصی سازی باشگاه‌های

فوتبال است و اگر امتیاز هر سؤال (عامل) کوچکتر از ۳ باشد (احتمال مشاهده شده کوچکتر از احتمال آزمون) از موانع خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال نیست. برای رتبه‌بندی موانع از روش فریدمن و برای بررسی اختلاف بین گروه‌های مختلف -با توجه به تحصیلات و شغل آنها- از روش آنوای یک‌طرفه استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون دوجمله‌ای نشان داد احتمال مشاهده شده دو مانع درآمد کم باشگاه‌ها از محل انتقال بازیکن و نبود نظام پیش‌بینی نتایج مسابقات کمتر از احتمال آزمون است؛ در نتیجه این دو عامل از موانع خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال نمی‌باشند، اما احتمال مشاهده شده سایر موارد بررسی شده بزرگتر از احتمال آزمون بود؛ در نتیجه به عنوان موانع خصوصی سازی باشگاه‌ها شناسایی شدند.

جدول ۱. نتایج آزمون دوجمله‌ای برای هر یک از موانع اقتصادی خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال

عنوان مانع	احتمال مشاهده شده	احتمال آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
پایین بودن درآمد بلیت فروشی	۰/۸۵	۰/۵۰	۰/۰۰۰	تأیید $H_0$
پرداخت نشدن حق پخش تلویزیونی و تبلیغات دور زمین	۰/۸۹	۰/۵۰	۰/۰۰۰	تأیید $H_0$
درآمد کم از محل حامیان مالی	۰/۸۷	۰/۵۰	۰/۰۰۰	تأیید $H_0$
درآمد کم از تبلیغات و بازرگانی	۰/۸۳	۰/۵۰	۰/۰۰۰	تأیید $H_0$
تناسب نداشتن هزینه‌ها با درآمدها (عدم حاکمیت هزینه-فایده)	۰/۸۷	۰/۵۰	۰/۰۰۰	تأیید $H_0$
ناتوانی در تهیه فضاهای ورزشی مورد نیاز	۰/۹۱	۰/۵۰	۰/۰۰۰	تأیید $H_0$
تراز مالی منفی باشگاه	۰/۷۸	۰/۵۰	۰/۰۰۰	تأیید $H_0$
تخصیص نیافتن تسهیلات مالی کم بهره یا بلاعوض به باشگاه	۰/۸۳	۰/۵۰	۰/۰۰۰	تأیید $H_0$
نبود درآمد از محل حق عضویت افراد	۰/۷۲	۰/۵۰	۰/۰۰۰	تأیید $H_0$
درآمد کم از محل نقل و انتقال بازیکن	۰/۳۳	۰/۵۰	۰/۱۰۴	رد $H_0$
درآمد کم از محل صحه گذاری (تأیید محصولات)	۰/۶۷	۰/۵۰	۰/۰۲۶	تأیید $H_0$
نبود نظام پیش‌بینی نتایج مسابقات	۰/۳۳	۰/۵۰	۰/۱۰۴	رد $H_0$

نتایج آزمون فریدمن نشان داد اهمیت موانع اقتصادی به یک اندازه نیست، به طوری که برخی موانع مهمتر از موانع دیگرند.

جدول ۲. تحلیل واریانس فریدمن برای وابع اقتصادی خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال کشور

H <sub>0</sub>	سطح معنی‌داری	درجه آزادی	کای دو محاسبه شده	نتیجه آزمون
رتبه میانگین موانع اقتصادی با هم برابر است	۰/۰۰۰	۱۱	۷۸/۹۱۶	رد H <sub>0</sub>

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، رتبه میانگین موانع اقتصادی با هم برابر نیست؛ به عبارت دیگر برخی موانع اقتصادی مهم‌تر از موانع دیگرند؛ در نتیجه فرض صفر مبنی بر برابری موانع تأیید نشد؛ بنابراین برای تعیین رتبه هر یک از موانع و مشخص شدن میزان اهمیت آنها در مقایسه با یکدیگر، بار دیگر از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شد.

رتبه میانگین هر یک از موانع اقتصادی خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال کشور نشان می‌دهد که کم بودن درآمد بلیت فروشی، مهم‌ترین مانع است و نبود نظام پیش‌بینی نتایج مسابقات باشگاهی در آخرین رتبه اهمیت قرار دارد.

جدول ۳. تحلیل واریانس فریدمن برای هر یک از موانع اقتصادی خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال کشور

اولویت	رتبه میانگین	میانگین	موانع اقتصادی
اول	۷/۸۶	۴/۴۳	کم بودن درآمد بلیت فروشی
دوم	۷/۶۱	۴/۴۱	پرداخت نشدن حق پخش تلویزیونی و تبلیغات دور زمین
سوم	۷/۵۲	۴/۳۹	درآمد کم از محل حامیان مالی
چهارم	۷/۳۰	۴/۳۳	درآمد کم از تبلیغات و بازرگانی
پنجم	۷/۲۸	۴/۳۷	تناسب نداشتن هزینه‌ها با درآمدها (عدم حاکمیت هزینه-فایده)
ششم	۷/۰۲	۴/۳۳	ناتوانی در تهیه فضاهای ورزشی مورد نیاز
هفتم	۶/۴۶	۴/۱۳	تراز مالی منفی باشگاه
هشتم	۶/۲۷	۴/۱۳	تخصیص نیافتن تسهیلات مالی کم بهره یا کمک بلاعوض به باشگاه
نهم	۶/۰۸	۴/۰۴	نبود درآمد از محل حق عضویت افراد
دهم	۴/۹۸	۳/۸۰	درآمد کم از محل نقل و انتقال بازیکن
یازدهم	۴/۹۷	۳/۷۶	درآمد کم از محل صحنه‌گذاری (تأیید محصولات)
دوازدهم	۴/۶۵	۳/۶۷	نبود نظام پیش‌بینی نتایج مسابقات

جدول ۳ نشان می‌دهد سه عامل درآمد کم از محل بلیت فروشی، دریافت نکردن حق پخش تلویزیونی و تبلیغات دور زمین مسابقه و درآمد کم از محل حامیان مالی به ترتیب، در درجه اول تا سوم اهمیت قرار دارند و به بیان دیگر، مهم‌ترین موانع موجود در راه خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال کشور محسوب می‌شوند.

اختلاف معنی‌داری بین موانع، با توجه به مدرک تحصیلی مشاهده نشد؛ بنابراین فرض صفر تأیید شد.

جدول ۴. نتایج آزمون واریانس موانع اقتصادی خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال کشور با توجه به مدرک تحصیلی

متغیر		مجموع مجذورها	میانگین مجذورها	F	Sig
موانع اقتصادی	بین گروهی	۱۸۱/۰۶۵	۴۵/۲۶۶	۰/۱۵۵	۰/۳۴۵
	درون گروهی	۱۶۰۶/۸۷۰	۳۹/۱۹۲		
	کلی	۱۷۸۷/۹۳۵			

با نگاهی به جدول ۴ مشخص می‌شود بین موانع مشخص شده توسط گروه‌های چندگانه، با توجه مدارک تحصیلی (دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) اختلاف معنی‌داری وجود ندارد؛ در نتیجه فرض صفر تأیید شد. به‌علاوه، بین موانع مشخص شده، با توجه به شغل (مدیر ورزشی، استاد دانشگاه، عضو هیئت مدیره باشگاه و کارشناس فوتبال) نیز اختلاف معنی‌داری وجود ندارد؛ در نتیجه فرض صفر تأیید شد.

جدول ۵. نتایج آزمون واریانس موانع اقتصادی خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال کشور با توجه به شغل

متغیر		مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	Sig
موانع اقتصادی	بین گروهی	۱۰۵/۳۱۰	۳۵/۱۰۳	۰/۱۸۶۷	۰/۴۶۱
	درون گروهی	۱۶۸۲/۶۲۵	۴۰/۰۶۳		
	کلی	۱۷۸۷/۹۳۵			

### بحث و نتیجه‌گیری

بررسی احتمال آزمون عوامل: کم بودن درآمد بلیت فروشی، پرداخت نشدن حق پخش تلویزیونی و تبلیغات دور زمین، درآمد کم از محل حامیان مالی، درآمد کم از تبلیغات و بازرگانی، تناسب نداشتن هزینه‌ها با درآمدها (عدم حاکمیت هزینه-فایده)، ناتوانی در تهیه فضاهای ورزشی مورد نیاز، تراز مالی منفی باشگاه، تخصیص نیافتن تسهیلات مالی کم‌بهره یا بلاعوض به باشگاه، عدم درآمد از محل حق عضویت افراد و درآمد کم از محل صحنه‌گذاری (تأیید محصولات) نشان داد احتمال مشاهده شده از احتمال آزمون بیشتر بود؛ در نتیجه تمام عوامل فوق مانع مهم بر سر راه خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال می‌باشند. این یافته با تحقیق مهدوی (۱۳۸۴) هم‌سو است که نتیجه گرفت هزینه زیاد و کمبود بودجه باشگاه‌ها،

بازگشت کم سرمایه و ترس از ضرر دهی و تخصیص نیافتن یارانه به بخش خصوصی موانع خصوصی سازی ورزش هستند (۱۳). همچنین، احمدی (۱۳۸۶) نیز هزینه زیاد ساخت و خرید اماکن و تجهیزات ورزشی، کافی نبودن تسهیلات دولتی و ناتوانی در تأمین حقوق و دستمزد منابع انسانی را از مهم‌ترین موانع خصوصی سازی باشگاه‌های شهرستان ارومیه معرفی کرد که با نتایج تحقیق حاضر هم‌خوانی دارد (۱۱). دنیا پاداش (۱۳۸۸) نیز بیان کرد که عوامل اقتصادی در میان عوامل مؤثر بر خصوصی سازی باشگاه‌های ورزشی رتبه اول را دارند که با یافته این تحقیق هم‌خوانی دارد (۹). شاید دلیل هم‌سویی نتایج این باشد که بحث عوامل اقتصادی و تأمین هزینه‌های باشگاه‌ها اساس ادامه حیات آنهاست.

با این حال، نتایج نشان داد ناتوانی در تهیه فضاهای ورزشی مورد نیاز باشگاه، پرداخت نشدن حق پخش تلویزیونی و تبلیغات دور زمین به باشگاه‌ها، درآمد کم از محل حامیان مالی و تناسب نداشتن هزینه‌ها با درآمدها (عدم حاکمیت هزینه-فایده) بالاترین احتمالات مشاهده شده را دارند که ممکن است به این علت باشد که در نظر مدیران باشگاه‌ها و مسئولانی که در این تحقیق شرکت داشتند عوامل اقتصادی اهمیت زیادی داشته، اغلب به عنوان مانع مطرح‌اند. رتبه‌بندی موانع نشان می‌دهد کم بودن درآمد بلیت فروشی، مهم‌ترین مانع خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال کشور است. این یافته با نتایج تحقیقات الهی (۱۳۸۳، ۱۳۸۷) هم‌خوانی دارد (۱۲، ۱۴). آبراهامسون و فارمر<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) با بررسی منابع درآمدی لیگ حرفه‌ای فوتبال دریافتند که از میان منابع درآمدی باشگاه‌های فوتبال آمریکا، درآمد حاصل از بلیت فروشی بیشترین اهمیت را دارد. الهی (۱۳۸۳) نیز بلیت فروشی را مهم‌ترین منبع درآمد لیگ حرفه‌ای ایران معرفی کرده و نشان داده است که میزان درآمد بلیت فروشی در کشورمان بسیار پایین‌تر از کشور ژاپن است (۱۴). این موضوع، به عنوان مهم‌ترین منابع درآمدی باشگاه‌های فوتبال ایران اهمیت زیادی دارد و به همین دلیل درآمد کم در این بخش، مهم‌ترین مانع خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال است.

نتایج تحقیق نشان داد که عدم پرداخت حق پخش تلویزیونی و تبلیغات دور زمین، دومین مانع مهم خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال است که با نتایج الهی (۱۳۸۳، ۱۳۸۷)، طرح جامع ورزش (۱۳۸۲) جودیو و فیلیپ (۲۰۰۳) هم‌خوانی دارد. الهی نشان داد که حق پخش در فوتبال ایران جایگاهی ندارد، یافته‌های طرح جامع ورزش نیز حق پخش تلویزیونی را در ایران غیرفعال معرفی کرده است و جودیو و فیلیپ نیز بیان کردند که فقدان قوانین اختصاصی برای حق پخش تلویزیونی از مهم‌ترین عوامل ناکارآمدی باشگاه‌های اسپانیاست (۱۲، ۱۴، ۱۸). علت

---

1. Abrahamson and Farmer



این امر، رسمیت نداشتن قوانین حق پخش تلویزیونی و تبلیغات دور زمین مسابقه است که به ترتیب در انحصار سازمان صدا و سیما و سازمان لیگ قرار دارند. در مورد حق پخش تلویزیونی، وضعیت به قدری تأسف برانگیز است که طبق نتایج تحقیق، در برخی موارد، باشگاه‌های فوتبال لیگ دسته اول برای پخش مسابقه در شبکه استانی خود نیز باید مبلغی را به صدا و سیما استان پرداخت کنند و این امر کاملاً مغایر اصول حرفه‌ای ورزش و قوانین و مقررات فیفاست. حتی کشورهای عربی همسایه نیز از این لحاظ وضعیت بهتری دارند، به طوری که کشور امارات، حق پخش تلویزیونی مسابقات فوتبال را به مدت پنج سال، به مبلغ ۹۵ میلیون دلار فروخته است.

درآمد کم از محل حامیان مالی، سومین مانع خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال است. این یافته با نتایج تحقیقات الهی (۱۳۸۳) و (۱۳۸۷)، جودیو و فیلیپ (۲۰۰۳) و میچی و آگتون (۲۰۰۵) همسو است (۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۷). الهی (۱۳۸۷) بهره‌گیری اندک از متخصصان بازاریابی ورزشی و کمبود آژانس‌های تخصصی بازاریابی ورزشی را در نهادهای ذی‌ربط برای جذب حامیان مالی، از موانع توسعه اقتصادی فوتبال کشور معرفی کرد (۱۲). نتایج جودیو و فیلیپ (۲۰۰۳) نیز نشان داد که فقدان قوانین اختصاصی برای حامیان مالی و مدیریت امور مالی از دیگر عوامل مهم ناکارآمدی باشگاه‌های اسپانیاست (۱۶). همچنین، میچی و آگتون (۲۰۰۵) نیز بیان کردند که حامیان مالی اغلب از تیم‌هایی حمایت می‌کنند که شفافیت مالی دارند (۱۷). با توجه به این یافته و هم‌سویی آن با نتایج تحقیقات دیگر می‌توان گفت فقدان قوانین اختصاصی در این زمینه و عدم شفافیت مالی باشگاه‌های فوتبال برای حامیان مالی آنها خوشایند نیست و باعث کناره‌گیری آنها شده است؛ در نتیجه درآمد باشگاه‌ها از این طریق، کمتر از پتانسیل واقعی آنهاست.

درآمد کم از تبلیغات و بازرگانی، تناسب نداشتن هزینه‌ها با درآمدها (عدم حاکمیت هزینه-فایده)، ناتوانی در تهیه فضاهای ورزشی مورد نیاز، تراز مالی منفی باشگاه، تخصیص نیافتن تسهیلات مالی کم‌بهره یا کمک بلاعوض به باشگاه و نبود درآمد از محل حق عضویت افراد، به ترتیب، از دیگر موانع مهم خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال است که با نتایج تحقیقات الهی (۱۳۸۳، ۱۳۸۷)، مهدوی (۱۳۸۴)، خبیری (۱۳۸۴)، احمدی (۱۳۸۶)، رضانی (۱۳۸۶) و رضوی (۱۳۸۳) همسو است (۳، ۸، ۱۱-۱۴، ۱۸).

امروزه، تبلیغات و امور بازرگانی اهمیت زیادی در درآمدزایی باشگاه‌ها و بازیکنان فوتبال دارد. این امر با نام معامله برد-برد شناخته می‌شود؛ زیرا هم باشگاه و هم شرکت‌های تجاری به سود زیادی دست می‌یابند؛ به همین دلیل، علاوه بر باشگاه‌های فوتبال، بازیکنان نیز حامیان مالی

جداگانه‌ای دارند که این امر در نقل و انتقال آنها نیز تأثیر زیادی دارد، به نحوی که بازیکنان بزرگ دنیا با حمایت حامیان مالی خود از تیمی به تیم دیگر می‌روند و این جابه‌جایی، سود سرشاری برای هر سه طرف دارد (۱۹).

با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت باشگاه‌های فوتبال کشور هنوز به ارزش امور تبلیغاتی و بازرگانی پی نبرده‌اند و تنها به رقابت ورزشی در درون زمین مسابقه فکر می‌کنند، در حالی که باشگاه‌های مطرح فوتبال در جهان علاوه بر رقابت ورزشی، در فکر رقابت تجاری و کسب سود نیز می‌باشند. در کشور ما باشگاه‌های فوتبال بیشتر ماهیت ورزشی دارند و ماهیت غیرتجاری آنها سبب بی‌توجهی به این منبع درآمد با ارزش شده است؛ زیرا باشگاه دولتی که از دولت بودجه دریافت و هزینه می‌کند، به راه‌های درآمدی دیگر از جمله تبلیغات و امور بازرگانی توجه نخواهد کرد.

تحقیق حاضر نشان داد که ناتوانی باشگاه‌ها در تهیه فضاهای ورزشی و دیگر امکانات مورد نیاز نیز از موانع خصوصی‌سازی است. این یافته با نتایج مهدوی (۱۳۸۴) هم‌خوانی دارد که نشان داد هزینه زیاد و کمبود بودجه اماکن ورزشی از موانع واگذاری ورزش به بخش خصوصی در سازمان تربیت بدنی است (۱۳). همچنین با نتایج تحقیق خبیری (۱۳۸۴) همسو است که نشان داد باشگاه‌های فوتبال کشور فاصله زیادی با حداقل معیارهای موجود در حیطه اماکن و فضاهای ورزشی مورد نیاز دارند و حتی با احتساب تمامی فضاهای ورزشی سازمان تربیت بدنی که در اختیار باشگاه‌ها قرار می‌گیرد، تنها ۲۸ درصد معیارهای یوفا را پوشش داده‌اند (۳). با توجه به اینکه امکانات و فضاهای ورزشی از پیش‌نیازهای توسعه صنعت فوتبال است و اکثریت قریب به اتفاق باشگاه‌های فوتبال چنین امکاناتی ندارند، احتمالاً تحقق نیافتن این امر، مانع خصوصی‌سازی آنها شده است و کمک دولت می‌تواند نقش مهمی در تحقق آن داشته باشد، به طوری که باروس (۲۰۰۶) پیشنهاد کرد کمک‌های غیر مستقیم (غیر نقدی) دولت کمک بزرگی به باشگاه‌ها و آمادگی آنها برای واگذاری به بخش خصوصی است (۲۰). امروزه، تشکیلات دولتی در کنار باشگاه‌ها و بخش غیردولتی در ساخت و تجهیز ورزشگاه‌ها و فضاهای ورزشی مورد نیاز آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند، به طوری که دولت انگلستان در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، حدود ۶۰۰ میلیون یورو و در مجموع ده سال، حدود ۷۵۰ میلیون یورو برای ایجاد، توسعه و بازسازی ورزشگاه‌های فوتبال اختصاص داده است (۸).

نتایج تحقیق نشان داد که عدم تناسب هزینه‌ها با درآمدها (عدم حاکمیت هزینه-فایده) نیز از دیگر موانع خصوصی‌سازی باشگاه‌های فوتبال است. طبق آمار، میانگین هزینه‌های هر باشگاه در لیگ برتر کشور، حدود ۸ میلیارد تومان است که ۹۰ درصد آن صرف خرید بازیکن و

استخدام مربی می‌شود که نشان‌دهنده عدم حاکمیت منطق هزینه-فایده در باشگاه‌های فوتبال است، در حالی که در کشورهای صاحب نام فوتبال، وضعیت دیگری حاکم است، به عنوان مثال باشگاه هوفن‌هایم آلمان در طول هشت سال تلاش برای رسیدن به بوندس‌لیگا، تنها ۲۵ درصد بودجه‌اش را صرف حقوق بازیکنان و مربیان کرد و بخش عمده‌ای را در توسعه زیرساخت‌ها و امور زیر بنایی مانند ساخت ورزشگاه و دیگر امکانات لازم هزینه کرد. از طرف دیگر، با توجه به افزایش دست‌کم ۲۰ تا ۳۰ درصدی هزینه‌های مذکور در هر سال، مانع بزرگی در راه خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال است؛ زیرا تا چند سال آینده، در خوش‌بینانه‌ترین وضعیت ممکن، هر باشگاه باید بیش از ۱۲ میلیارد تومان در سال درآمد داشته تا زیان‌ده نباشد (۲۱).

نتایج تحقیق خبیری (۱۳۸۳) نشان داد هیچ‌یک از باشگاه‌های فوتبال کشور تراز مالی مثبت ندارند (۳) و رضانی (۱۳۸۶) نیز بیان کرد که تنها ۲۰ درصد باشگاه‌های فوتبال حرفه‌ای کشور تراز مالی مثبت دارند و باشگاه‌های دیگر تراز مالی منفی یا صفر دارند، در تحقیق حاضر نیز تراز مالی منفی، مانعی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اعلام شده است؛ زیرا بخش خصوصی به دنبال سود است و زیان‌دهی باشگاه‌ها هیچ جذابیتی برای ورود آنها به این عرصه باقی نگذاشته است، در حالی که باشگاه‌های فوتبال در جهان علاوه بر سود سرشاری که به‌دست می‌آورند، مالیات هنگفتی نیز به دولت می‌پردازند، به‌طوری که دولت انگلستان در سال ۲۰۰۶، مبلغ ۶۰۱ میلیون پوند از باشگاه‌های حرفه‌ای مالیات دریافت کرد (۸).

تخصیص نیافتن تسهیلات بلند مدت و کم‌بهره از دیگر موانع خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال معرفی شد که این یافته نیز با نتایج تحقیقات بسیاری از جمله رضوی (۱۳۸۳)، مهدوی (۱۳۸۴)، احمدی (۱۳۸۶) همسو است (۱۱، ۱۳، ۱۸)؛ بنابراین می‌توان گفت به دلیل هزینه‌های زیاد اداره و مدیریت باشگاه‌ها، تخصیص یارانه به بخش خصوصی، به‌ویژه در ابتدای شکل‌گیری و برای ادامه حیات آنها اهمیت زیادی دارد.

بر اساس نتایج، درآمد بسیار کم از محل نقل و انتقال بازیکن و نبود نظام پیش‌بینی نتایج مسابقات، کم‌اهمیت‌ترین موانع خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال می‌باشند. احتمالاً با توجه به ضعف باشگاه‌های فوتبال کشورمان در بازیکن سازی، در مقایسه با کشورهای دیگر، این منبع درآمدی اهمیت چندانی نداشته است و روی آن سرمایه‌گذاری نمی‌شود. این یافته با نتایج تحقیقات مغایرت دیگر دارد؛ زیرا اغلب باشگاه‌های مطرح کشورهای صاحب نام در فوتبال، درآمد زیادی از این محل به‌دست می‌آورند، به عنوان مثال برزیل در سال ۲۰۰۷ مبلغی بیش از ۲۰ میلیارد دلار از این محل به‌دست آورد که حدود یک سوم درآمد نفت کشورمان در همان سال می‌باشد (۸).

همان‌طور که نتایج تحقیق نشان داد، پیش‌بینی نتایج مسابقات نیز از دیدگاه جامعه مورد بررسی، اهمیت چندانی نداشت؛ زیرا به عنوان مانعی مهم، شناسایی نشد که احتمالاً به این دلیل است که زیرساخت‌های تحقق نظام پیش‌بینی نتایج در کشور فراهم نشده است و عدم آگاهی مسئولان باشگاه‌های فوتبال و عدم همکاری لازم بین سازمان‌ها و نهادهای مرتبط، سبب شده باشگاه‌ها توجه چندانی به آن نداشته باشند.

از آنجا که باشگاه‌های فوتبال به علت محدودیت منابع درآمدی، درآمد قالب توجهی ندارند، تراز مالی آنها منفی است؛ بنابراین فراهم کردن شرایط لازم برای موفقیت اقتصادی و تجاری سازی باشگاه‌ها نخستین گام در راه خصوصی سازی است؛ زیرا رفع موانع و مشکلات موجود در این زمینه باعث سودآوری باشگاه‌ها و در نتیجه، جذابیت آنها برای بخش خصوصی و در نهایت، موفقیت خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال کشور خواهد شد.

با این حال، همان‌طور که نتایج تحقیقات پیشین نیز نشان داده است، استقرار ساختار رقابتی در اقتصاد کشور تأثیرات به‌سزایی بر این صنعت خواهد داشت؛ زیرا ساختار اقتصادی معیوب کشور و مشکلات مربوط به آن، صنعت فوتبال و باشگاه‌های آن را نیز تحت تأثیر قرار داده و بدون تغییر ساختار اقتصادی (برون‌گرایی، اندازه بازار، ساختار رقابتی و ...) و رفع مشکلات آن نمی‌توان به رشد و توسعه اقتصادی باشگاه‌های فوتبال و در نتیجه، حضور بخش خصوصی چندان امید بست.

### منابع:

1. Guzmán, I., Morrow, S. (2007). Measuring efficiency and productivity in professional football teams: evidence from the English Premier League. Springer-Verlag.
2. García-Sánchez, M. (2007). Efficiency and effectiveness of Spanish football teams: a three-stage-DEA approach. Springer-Verlag, 15:21-45
3. ۳-خبیری، محمد، (۱۳۸۳). مقایسه وضعیت باشگاه‌های لیگ حرفه‌ای فوتبال با معیارهای یوفا و باشگاه‌های منتخب از کشورهای ژاپن، کره جنوبی، امارات و ترکیه. گزارش طرح پژوهشی، پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
4. Morrow, S. (2004). The Financial Crisis in Scottish Football. Scottish Affairs, 47: 48-57
5. Hamil, S., Helt, M. (2003). The State of Game, The Corporate Governance of Football Clubs. Football Governance Research Center, University of London.

6. Dobson , S., Goddard , J. (2001). The Economics of Football. London: Cambridge university Press.
۷. مرادی، جواد، (۱۳۸۸). نقش عوامل اقتصادی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در فوتبال کشور. چکیده مقالات نخستین همایش بین المللی علم و فوتبال، تهران آبان ۱۳۸۸.
۸. رضانی، رضا، (۱۳۸۶). پژوهش اقتصاد و سرمایه‌گذاری ورزش: مورد کاوی فوتبال. گزارش طرح پژوهشی، سازمان تربیت بدنی، دفتر ملی مدیریت و توسعه ورزش کشور.
۹. دنیا پاداش، (۱۳۸۸). اولویت‌بندی عوامل تأثیرگذار بر خصوصی سازی باشگاه‌های ورزشی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه اصفهان.
۱۰. خبیری، محمد، الهی، علیرضا، (۱۳۸۴). مقایسه وضعیت باشگاه‌های لیگ حرفه‌ای فوتبال جمهوری اسلامی با توجه به معیارهای یوفا و باشگاه‌های منتخب ژاپن، کره جنوبی، امارات و ترکیه. پژوهش در علوم ورزشی، ۸.
۱۱. احمدی، اژدر، (۱۳۸۶). موانع و مشکلات موجود خصوصی سازی حوزه ورزش از دیدگاه صاحبان باشگاه‌ها و مراکز خصوصی ورزشی شهرستان ارومیه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه.
۱۲. الهی، علیرضا، (۱۳۸۷). موانع و راه‌کارهای توسعه اقتصادی صنعت فوتبال جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران.
۱۳. مهدوی، عبدالحمید، (۱۳۸۳). بررسی فرآیند خصوصی سازی در توسعه ورزش کشور و روش‌های تقویت آن. گزارش طرح ملی تحقیقاتی، سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران.
۱۴. الهی، علیرضا، (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه لیگ برتر فوتبال جمهوری اسلامی ایران با ژاپن. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۵. سند تفضیلی نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور (۱۳۸۳). تهران: انتشارات سیب سبز.
16. Ascari, G., Gagnepain, P. (2003). How Inefficient are Football Clubs ? An Evaluation of the Spanish Arms Race. Department of Economics. University of Madrid, January.

17. Michie, J., Oughton. C. (2004). Competitive Balance in Football: Trends and effects, University Of London , Football Governance Research Center. Research Paper, 2.

۱۸. رضوی، محمدحسین، (۱۳۸۳). تحلیل سیاست خصوصی سازی در ورزش کشور با تأکید بر ورزش قهرمانی. رساله دکتري، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران.

۱۹. امام صفری، کسری، (۱۳۸۷). نقش تولیدکنندگان لوازم ورزشی در نقل و انتقالات بازیکنان. چشم‌انداز فوتبال، ۳: ۲۸-۲۹.

20. Barros, C.P. (2006). The Financial crisis in Portuguese Football. Journal of Sport Economics, 7(1): 96-104.

۲۱. شهرابی، محمد، (۱۳۸۸). فوتبال ایران غرق در پول. چشم‌انداز فوتبال، ۹: ۴۴-۴۶.

